

# **Theoretical Analyses of the Impact of Social Media on Revolutions: From Structural Stimulation to Refolution**

**Mohammad Reza MAJIDI**

Associate Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran (mmajidi@ut.ac.ir)

**Mohammad Asem ASHJAZADEH**

PhD Middle East Studies, Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran (Author) (mashjaz@yahoo.com)

## **Abstract**

After the recent Arab uprisings, a great number of analyses have been proposed on the impact of social media on revolutions, which lack a comprehensive view of all stages of revolutions, particularly what happens after the collapse of the ruling regimes with regard to the establishment of new political orders. This research considers the impact of social media in all stages of revolutions and offers a consolidated explanation, regardless of objective cases. In response to question of the impact of social media on revolutions, the authors explain that social media, by developing activists' network, serve as a structural stimulus in the beginning of an uprising before the street protests. However, these networks lack the required capacities to lead the new political order and may result in a refolution. This descriptive-analytical research, analyses the role of social media in developing activists network according to Castells' theory, the structural stimulation of uprisings by social media according to the views of Tufekci regarding the causes of revolutions, the incapability of activists' networks to lead the new order based on the refolution theory of Bayat, develop and consolidate these views and theories.

**Keywords:** Social Media, Activism Network, Revolutionary Uprising, Structural Stimulation, Refolution

# بررسی نظری تأثیر رسانه‌های اجتماعی در انقلاب‌ها: از تحریک ساختاری تا انقلاب اصلاحی

محمدرضا مجیدی

دانشیار مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران mmajidi@ut.ac.ir

محمد عاصم اشجع‌زاده

دکترای مطالعات خاورمیانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

mashjaz@yahoo.com

## چکیده

پس از خیزش‌های عربی اخیر تحلیل‌های متعددی پیرامون تأثیر رسانه‌های اجتماعی در انقلاب‌ها ارائه شده است که اغلب به مراحل مختلف انقلاب، به‌ویژه آنچه بعد از سرنگونی رژیم‌های حاکم در زمینه استقرار نظم جدید سیاسی رخ می‌دهد، نگاه جامعی ندارند. پژوهش حاضر تأثیر رسانه‌های اجتماعی را در کلیه مراحل انقلاب بررسی و فارغ از مصادیق عینی، توضیح منسجمی را در این زمینه ارائه می‌نماید. در پاسخ به این سؤال که رسانه‌های اجتماعی چه تأثیری در فرآیند انقلاب‌ها دارند، پژوهش حاضر بیان می‌کند رسانه‌های اجتماعی با توسعه شبکه کنشگران همانند یک محرک ساختاری در آغاز خیزش و پیش از اعتراضات میدانی عمل می‌نمایند، اما این شبکه فاقد ظرفیت‌های لازم برای هدایت نظم سیاسی جدید بوده و ممکن است موجب انقلاب اصلاحی شود. در این پژوهش با استفاده از روش‌های اسنادی و توصیفی-تحلیلی، نقش رسانه‌های اجتماعی در توسعه شبکه‌های کنشگری در چارچوب نظریه کاستلز، تحریک ساختاری این شبکه‌ها با توجه به نظرات توفیق‌چی در زمینه علل انقلاب‌ها، و ناتوانی آن‌ها در هدایت نظم جدید بر اساس نظریه انقلاب اصلاحی بیات، تحلیل و این نظریات و دیدگاه‌ها بسط و با یکدیگر پیوند داده می‌شود.

**واژگان کلیدی:** رسانه‌های اجتماعی، شبکه کنشگری، خیزش انقلابی، تحریک ساختاری، انقلاب اصلاحی

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۲/۰۶ تاریخ بازبینی: ۰۱/۰۵/۰۷ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۵/۰۸

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۳، پیاپی ۴۴، پاییز

۱۴۰۱، صص ۲۰۴-۲۲۸

## مقدمه و بیان مسئله

تا اواخر قرن بیستم اندیشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی جهت شناخت جمعیت مستعد مشارکت در اقدامات اعتراضی صرفاً به روابط قوی و عینی میان گلایه‌مندان از اوضاع در چارچوب احزاب و گروه‌های سیاسی، اتحادیه‌های صنفی، انجمن‌های محلی و یا مذهبی و دیگر سازمان‌های و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی توجه داشتند و آن‌ها را تنها محیط‌های مساعد شکل‌گیری اعتراضات فرض می‌کردند که به حامیان بالقوه تغییر اجتماعی، هویت و هدف مشترک و اراده پذیرش خطر برای منافع جمعی می‌بخشیدند. اما پس از ظهور اینترنت و رسلنه‌های اجتماعی روایت جدیدی از ریشه‌ها و فرآیندهای شرکت در اعتراضات شکل گرفته که بر نقش این رسانه‌ها در تغییر شکل گروه‌های سازمان‌یافته و شبکه‌های غیررسمی، ایجاد ارتباطات بیرونی، توسعه یک حس جمعی و جلب توجهات جهانی تأکید دارد.

مبنای عینی و میدانی این دیدگاه جدید، استفاده از فناوری‌های اینترنتی در جنبش‌های اجتماعی غربی از دهه ۱۹۹۰ میلادی و خیزش ملت‌های عرب در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ بود. به‌ویژه خیزش‌های عربی فضای باروری برای مطالعات گسترده و عمیق در خصوص نقش رسانه‌های اجتماعی در انقلاب‌ها ایجاد نموده و در یک دهه اخیر آثار متعددی در این زمینه با استناد به تحولات منطقه به‌ویژه تونس و مصر منتشر شده است.

پیش از خیزش‌های عربی برخی روایت‌ها و تحلیل‌هایی که در خصوص نقش رسانه‌های اجتماعی در جنبش‌ها و خیزش‌ها ارائه شده‌اند، با نگاهی شکاکانه فعالیت در این رسانه‌ها را موجب تضعیف اعتراضات میدانی دانسته و نسبت به کنشگری سست در فضای مجازی هشدار داده‌اند. گلدول<sup>۱</sup> و مروزوف<sup>۲</sup> از چهره‌های شاخص این دیدگاه هستند. اما پس از مشاهده نقش غیرقابل‌انکار رسانه‌های اجتماعی در خیزش‌های عربی، نگرش خوش‌بینانه تا حد زیادی غالب شد، تا آنجا که این رسانه‌ها به‌عنوان علت لازم و حتی کافی برای تحولات مذکور برشمرده شد. کاستلز<sup>۳</sup>، هوارد<sup>۴</sup> و حسین، النواوی و خمیس، سیب<sup>۵</sup>، فوکس<sup>۶</sup> و گربادو<sup>۷</sup> برخی از اندیشمندانی بودند که در این مقطع با نگرشی خوش‌بینانه به بررسی تأثیرات رسانه‌های اجتماعی پرداختند. پس‌از آن سرنوشت خیزش‌های عربی موجب شد تا پژوهشگران موضع انتقادی‌تری نسبت به تأثیرات رسانه‌های اجتماعی اتخاذ نمایند. آثار لینچ<sup>۸</sup>، گلوین<sup>۹</sup>، بیات و توفیقچی<sup>۱۰</sup> در این دوره منتشر شدند.

## ۱. اهداف و سؤالات پژوهش

پژوهش حاضر تلاش دارد با توسعه و پیوند نظریات موجود، تأثیر رسانه‌های اجتماعی را در کلیه مراحل انقلاب، از شکل‌گیری هسته‌های اولیه معترضان تا بروز اعتراضات خیابانی و سرانجام شکل‌گیری نظام جدید سیاسی، موردتوجه قرار داده و فارغ از مصادیق عینی، نظریه جامعی را در این زمینه ارائه نماید.

سؤال اصلی پژوهش از این‌قرار است که رسانه‌های اجتماعی چه تأثیری در فرآیند انقلاب‌ها دارند. سؤالات فرعی، با توجه به مراحل مختلف انقلاب به شرح فوق، شامل تأثیر رسانه‌های اجتماعی در ارتباط و سازمان اولیه معترضان، اعتراضات خیابانی و فرآیند تأسیس نظام سیاسی جدید می‌باشد.

۱ Malcolm Gladwell

۲ Evgeny Morozov

۳ Manuel Castells

۴ Philip Howard

۵ Philip Seib

۶ Chrisitan Fuchs

۷ Paolo Gerbaudo

۸ Marc Lynch

۹ James Gelvin

۱۰ Zeynep Tufekci

## ۲. پیشینه پژوهش

مروزوف، یکی از نظریه پردازان شکاک نسبت به نقش ایجابی رسانه‌های اجتماعی در جنبش‌ها، در کتاب «توهم‌نت» نسبت به کنشگری سست<sup>۱۱</sup> در فضای مجازی هشدار داده و عنوان می‌کند رسانه‌های اجتماعی به فعالان آنلاین احساس مفید و مهم بودن می‌دهد، درحالی‌که از تأثیر سیاسی کمی برخوردار هستند. (Morozov, ۱۸۹-۱۹۰, pp. ۲۰۱۱, گلدول، یکی دیگر از نظریه‌پردازان مطرح این طیف، در مقاله‌ای استدلال می‌کند اقدامات سیاسی رادیکال نیازمند روابط قوی است، درحالی‌که چارچوب رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر روابط ضعیف است. (Gladwell, ۲۰۱۷, p. ۱۷۴)

کاستلز در کتاب «شبکه‌های خشم و امید» عنوان می‌کند جنبش‌ها زمانی شکل می‌گیرند که خشم و امید در مقیاسی وسیع به سایرین مخابره شود و در دنیای شبکه‌ای امروز این احساسات با اینترنت مخابره می‌شود. (Castells, ۲۰۱۵, pp. ۲-۳) او خیزش‌های عربی ۲۰۱۱ را فرآیندهای خودجوش بسیج ارزیابی می‌کند که با فراخوان‌های اینترنتی شکل گرفتند و تا حد زیادی محصول تلاش سازمان‌های رسمی نبودند. شبکه‌های دیجیتال و اشغال فضای شهری، در تعاملی نزدیک، سکوی سازمان‌دهی و تبادل نظر در فضایی خودمختار شد که مبنای موجد انعطاف مورد نیاز جنبش برای مقاومت در برابر حملات سهمگین و خشونت دولت بود. (Castells, ۲۰۱۵, p. ۱۰۶)

سیب در کتاب «دیپلماسی زمان واقعی» استدلال می‌کند رسانه‌های اجتماعی علاوه بر انتشار اطلاعات، زیرساختی را برای شبکه‌هایی ایجاد می‌کند که در فضای سیاسی می‌توانند مبنای یک جنبش انقلابی باشند. به اعتقاد وی انعطاف و توانایی تطبیق و پیکربندی دوباره، دلیل مؤثر بودن شبکه‌های غیرمتمرکز در محیط‌هایی مانند خیزش‌های عربی است، درحالی‌که یک سازمان سلسله‌مراتبی متمرکز فاقد چابکی لازم برای گریز از سرکوب سریع و شدید قدرت حاکم است. (Seib, ۲۰۱۲, pp. ۹-۱۰)

لینچ در کتاب «رسانه‌ها، قدیم و جدید» می‌نویسد رسانه‌های جدید می‌توانند در وقوع و تأثیر اقدام جمعی از طریق گستره‌ای وسیع از سازوکارها از جمله روابط کم‌هزینه‌تر، آبشارهای اطلاعاتی، هزینه‌های بالاتر سرکوب و تأثیرات مقیاسی و

انتشاری تأثیر داشته باشند. (Lynch, ۲۰۱۴, p. ۹۷) لینچ همچنین رسانه‌های اجتماعی را لزوماً منتهی به جنبش‌های بادوام و احزاب سیاسی قوی و توانمند برای ایجاد یک چالش پایدار در برابر رژیم‌های جاافتاده و یا تبدیل‌شدن به احزاب حاکم نمی‌داند. (Lynch, ۲۰۱۴, p. ۹۴)

در مجموع هیچ‌یک از آثار منتشره با موضوع این پژوهش، نگاه جامعی به فرآیند انقلاب و مراحل مختلف آن از سازمان‌دهی اولیه مخالفان، اعتراضات خیابانی، سرنگونی رژیم‌های حاکم تا شکل‌گیری نظام‌های پساانقلابی ندارد و توضیح جامع و یکپارچه‌ای از نقش رسانه‌های اجتماعی در این فرآیند ارائه نمی‌کند.

### ۳. ملاحظات مفهومی و نظری

#### ۳-۱. تعریف مفاهیم

##### ۳-۱-۱. انقلاب

بشیریه (۱۳۹۰، ص. ۱۳۹) انقلاب را کوششی برای دگرگون ساختن واقعیت برحسب یک ایدئولوژی تعریف می‌کند. از دیدگاه هرا، انقلاب‌ها بیش از آنکه به معنای سرنگونی یک حاکم خودکامه و انتخاب یک حکومت جدید باشند، بر رویدادهایی دلالت دارند که در آن‌ها بازیگرانی جدید برای ایجاد و اشاعه یک روایت نو در خصوص جامعه خوب و چگونگی دستیابی به آن وارد عرصه سیاسی می‌شوند. (Herrara, ۲۰۱۴, p. ۱۴۳) بنا بر تعریف آلیاناک، انقلاب یک فرآیند تغییر است که در آن حاکمان و قواعد و مؤسسات اساسی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا مذهبی یک نظام سیاسی با ابزارهایی غیر از قانون اساسی که ممکن است شامل خشونت و یا تهدید به آن باشد، تغییر می‌کنند. انقلاب در مقایسه با اصلاحات، مبتنی بر قانون اساسی نیست و برخلاف کودتا که فقط شامل تغییر کارکنان می‌شود، تغییر اصول و سازمان‌های حاکمیتی را نیز در برمی‌گیرد. (Alianak, ۲۰۱۴, pp. ۴-۵)

##### ۳-۱-۲. انقلاب اصلاحی

از نظر بیات آنچه سال ۲۰۱۱ در مصر و تونس اتفاق افتاد، ترکیبی از انقلاب و اصلاح و یک انقلاب اصلاحی بود که در آن انقلابیون دولت حاکم را وادار کردند خود را تغییر دهد و اصلاحات معنی‌داری را از طرف انقلاب انجام دهد. این اصطلاح اولین

بار در سال ۱۹۸۹ توسط تیموتی گارتون آش<sup>۱۲</sup> جهت توصیف اصلاحات سیاسی لهستان و مجارستان استفاده شد که نتیجه مذاکرات مقامات کمونیست و رهبران جنبش‌های مخالف بود. هرچند که در مصر و تونس، دیکتاتورهای حاکم وارد مذاکره با مخالفان نشدند و به‌اجبار کنار رفتند، اما با توجه به بر جای ماندن نهادها قواعد رژیم‌های سابق، بیات برای توصیف تحولات این دو کشور از مفهوم انقلاب اصلاحی استفاده می‌کند. (Bayat, ۲۰۱۷, pp. ۲۵۸-۲۵۹)

### ۳-۱-۳. جنبش اجتماعی

بخش قابل توجهی از پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص نقش‌آفرینی رسانه‌های اجتماعی در تحولات سیاسی مربوط به جنبش‌های اجتماعی هستند که به لحاظ علل و فرآیند شباهت زیادی با خیزش‌های انقلابی دارند. جنبش اجتماعی یک تلاش مداوم و سازمان‌یافته از طرف تعداد زیادی از مردم برای ایجاد یک تغییر اجتماعی یا مقاومت در برابر آن تعریف می‌کند. جنبش اجتماعی با توجه به وسعت و بزرگی اهداف آن اصلاح و یا انقلاب خوانده می‌شود. جنبش اصلاحی تلاش دارد تا ابعاد محدودی از جامعه را تغییر دهد و در پی تغییر عمده و یا جایگزینی نهادهای مهم اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی نیست. اما یک جنبش انقلابی در این جهت تلاش می‌کند و از طیف گسترده‌تری از ابزارها برای ایجاد تغییر استفاده می‌نماید که از تظاهرات اعتراضی قانونی تا نافرمانی مدنی غیر خشونت‌آمیز تا اقدامات خشونت‌آمیز را در برمی‌گیرد. (DeFronzo, ۲۰۱۵, pp. ۱۰-۱۱)

### ۳-۱-۴. رسانه‌های اجتماعی

سه فرآیند شناخت، ارتباط و همکاری، سطوح متفاوتی از روابط اجتماعی را ایجاد می‌کنند. رسلنه‌هایی که شناخت کاربران را تقویت می‌کنند، مانند روزنامه‌ها و سایت‌های خبری، و همین‌طور رسانه‌هایی که از ارتباطات کاربران حمایت می‌کنند، مانند ایمیل، را نیز می‌توان رسلنه‌های اجتماعی نامید. اما آخرین تحول و آنچه در حال حاضر به‌عنوان رسانه‌های اجتماعی شناخته می‌شود، سایت‌های شبکه‌ای مبتنی بر همکاری کاربران مانند فیس‌بوک، توئیتر و یوتیوب هستند که فرآیندهای شناخت و ارتباط را نیز شامل می‌شوند. (Trottier & Fuchs, ۲۰۱۵, pp. ۵-۶)

### ۵-۱-۳. کنشگری شبکه‌ای

مفهوم شبکه از دهه ۱۹۶۰ در جامعه‌شناسی جهت تبیین پویایی گروه‌های دوستی، خویشاوندی و همکاری مورد استفاده قرار گرفت. اما این کاستلز بود که مفهوم شبکه را در میان کنشگران معاصر، برجسته نمود و آن را برای توصیف ریخت‌شناسی جوامع پسا صنعتی به کاربرد. نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز بیانگر یک جابه‌جایی تاریخی از ساختارهای هرمی سازمان‌های بوروکراتیک مانند شرکت و حزب و دولت و مؤسسات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و جامعه توده‌ای به تعبیر ماکس وبر، به ساختارهای منعطف‌تر با قابلیت انطباق بیشتر بود. این تحول شرایط را برای شکل‌های جدید ارتباطات و همکاری بدون یک هماهنگی مرکزی و هدایت بالا به پایین و نیاز به رهبران رها فراهم می‌نمود. (Gerbaudo, ۲۰۱۲, pp. ۲۱-۲۳)

### ۴. چارچوب نظری

در این پژوهش برای ارزیابی جامع تأثیر رسانه‌های اجتماعی در مراحل مختلف انقلاب از شکل‌گیری هسته‌های اولیه اعتراضی تا استقرار نظام جدید سیاسی از نظریات اندیشمندان مختلفی شامل سیب، گریادو، لینچ، تروتیر، فوکس، النواوی، خمیس، معدل، سالم و به‌ویژه کاستلز، توفیقچی و بیات بهره‌برداری می‌شود. کاستلز معتقد است جنبش‌های اجتماعی جدید دارای ساختار شبکه‌ای هستند و رسانه‌های اجتماعی سکویی برای بقا و تحول این شبکه‌ها فراهم می‌آورند. جنبش‌های شبکه‌ای مرکز مشخصی ندارند و در عین حال میان گره‌های آن تبادل نظر و هماهنگی و تعامل وجود دارد. بدین ترتیب این جنبش‌ها به رهبری رسمی و مرکز فرماندهی و کنترل یا یک سازمان عمودی برای توزیع اطلاعات و دستورات نیاز ندارند و همیشه خود را همگام با سطح مشارکت مردم پیکربندی می‌نمایند. (Castells, ۲۰۱۵, pp. ۲۴۹-۲۵۰)

توفیقچی با استفاده از تقسیم‌بندی ارسطو پیرامون انواع رابطه علیت، نقش رسانه‌های اجتماعی در انقلاب‌ها را در قالب علل مادی و شکلی تحلیل و استدلال می‌کند رسانه‌های اجتماعی تنها ابزار نیستند، بلکه تأثیر ساختاری به نفع فضای ارتباطی مخالفان دارند. (Tufekci, ۲۰۱۷, pp. ۱۲۰-۱۲۵)

سرانجام بیات تغییر نظام مصر در سال ۲۰۱۱ را یک «انقلاب اصلاحی»<sup>۱۳</sup> خطاب می‌نماید که در آن انقلابیون دولت حاکم را وادار کردند خود را تغییر دهد و اصلاحات



معنی‌داری را از طرف انقلاب انجام دهد. (Bayat, ۲۰۱۷, pp. ۱۷-۱۸) بیات درعین حال رابطه شفاف‌ی میان نقش‌آفرینی رسلنه‌های اجتماعی و وقوع چنین انقلابی برقرار نمی‌نماید.

## ۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر، با استفاده از روش‌های اسنادی و توصیفی-تحلیلی، سازوکار تأثیرگذاری رسانه‌های اجتماعی بر ارتباط و همکاری فعالان انقلابی را در چهارچوب نظریه کاستلز در خصوص شبکه‌های کنشگری بررسی می‌کند و جهت تبیین تأثیر ساختاری این شبکه‌ها در تحریک خیزش و از سویی دیگر ناتوانی آن‌ها از هدایت نظم سیاسی جدید، از نظریات و دیدگاه‌های توفیق‌چی و بیات بهره گرفته، آن‌ها را توسعه می‌دهد و به یکدیگر مرتبط می‌نماید.

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۶-۱. تأثیر فناوری‌های ارتباطی در شکل‌گیری انقلاب‌ها با توجه به

#### دسته‌بندی ارسطو از علل پدیده‌ها

دفرونزو پنج عامل را در شکل‌گیری جنبش‌های انقلابی بسیار مهم می‌داند که عبارت از: ناامیدی گسترده، نخبگان مخالف، انگیزه‌های وحدت‌بخش، یک بحران شدید سیاسی، یک محیط بین‌المللی همراه و یا بردبار می‌باشند. (DeFronzo, ۲۰۱۵, pp. ۱۲-۱۳)

معدل از دو گروه نظریه انقلاب شامل منازعه سیاسی، بسیج منابع و ساختار فرصت‌سازمانی و سیاسی (PROP)<sup>۱۴</sup> و جامعه توده‌ای، ساختاری-عملکردی، محرومیت نسبی (MSR)<sup>۱۵</sup> نام می‌برد. نظریه پردازان گروه اول استدلال می‌کنند انقلاب‌ها با ظهور مدعیانی که ادعاهای انحصاری رقیب در خصوص کنترل حکومت را دارند، تعهد بخش مهمی از جمعیت به این ادعاها و ناتوانی حکومت در سرکوب، به وقوع می‌پیوندند. آن‌ها معتقدند نارضایتی و گلابه کافی در هر جامعه‌ای برای حمایت از جنبش انقلابی وجود دارد و شرایط ساختاری مساعد و فرصت‌های سیاسی تنها زمانی به اقدام عملی تبدیل می‌شوند که افراد ناراضی خود را به اندازه کافی قدرتمند

<sup>۱۴</sup> political conflict, resource mobilization, organizational, and political opportunity structure

<sup>۱۵</sup> mass-society, structural-functional, and relative-deprivation

احساس کنند. اما بر اساس نظریات گروه دوم، انقلاب‌ها محصول تنش‌های ایجادشده در تغییرات سریع اجتماعی، یک رکود سریع اقتصادی و یا وقوع جنگ هستند. (Moaddel, ۲۰۱۷, pp. ۲۰۶-۲۰۸)

هوراد و حسین معتقدند انقلاب‌ها زمانی به وقوع می‌پیوندند که فرصت‌های ساختاری و تصور موفقیت هر دو وجود داشته باشند. به عبارتی دیگر درعین حال که رژیم باید شکننده باشد، انقلابیون نیز باید اعتقاد داشته باشند که شانس دستیابی به اهدافشان را دارند. (Howard & Hussain, ۲۰۱۳, p. ۴۱) گلوین در این رابطه بیان می‌کند اگرچه مشکلاتی مانند بیکاری و تورم عینی و قابل‌سنجش هستند، اما حس محرومیت و بی‌عدالتی و احساس تکلیف در واکنش به این مشکلات، ذهنی و تابع شرایط گوناگون است. مثلاً با سرازیر شدن دوستان و آشنایان به خیابان‌ها ممکن است افراد به یک‌باره هدفی که ارزش جنگیدن دارد را کشف نمایند. (Gelvin, ۲۰۱۵, pp. ۲۵-۲۷)

این پژوهش با در نظر گرفتن نظریات مختلف در خصوص علل و عوامل مؤثر در وقوع انقلاب‌ها، دسته‌بندی چهارگانه ارسطو از انواع علل پدیده‌ها را مبنای تحلیل قرار داده است. ارسطو چهار نوع علت برای پدیده‌ها شناسایی کرده است که عبارت‌اند از:

الف- علل مادی، یعنی مواد تشکیل‌دهنده معلول؛

ب- علل شکلی، به معنای طراحی یا تنظیمات لازم برای مواد اولیه جهت تبدیل به محصول نهایی؛

ج- علل مؤثر، که همان علل متداول و مدنظر عموم و اقدامات مسبب تغییر است؛

د- علت نهایی، که به‌غایت و هدف تغییر اشاره دارد. (Tufekci, ۲۰۱۷, pp. ۱۲۰-۱۲۲)

با دسته‌بندی فوق می‌توان گفت در انقلاب‌ها مشکلات، نارسایی‌ها و گلايه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، علل مادی؛ رهبری و سازمان اعتراضات، علل شکلی؛ معترضان و مبارزات خیابانی آن‌ها، علل مؤثر؛ و ایدئولوژی و اهداف معترضان اعم از آزادی، عدالت و غیره، علل نهایی را تشکیل می‌دهند.

بر اساس این دسته‌بندی، برخی دیگر از عواملی که در وقوع انقلاب‌ها نقش‌آفرین و تأثیرگذار محسوب می‌شوند، نه از علل اصلی مورد اشاره در بالا، بلکه در زمره عوامل محرک و تسهیل‌کننده هستند. برای نمونه کاهش قدرت سرکوب نظام‌های حاکم در نتیجه جنگ و یا حمایت خارجی از مخالفین ممکن است در تحریک، تسهیل و تقویت یک یا چند علل از علل چهارگانه مؤثر باشند. گروه اول از نظریه‌پردازان مورد

اشاره از سوی معدل در حقیقت روی نقش این عوامل تأکید دارند. تأثیر ارتباطات و رسانه‌ها و به‌طور مشخص رسانه‌های اجتماعی در انقلاب‌ها نیز در این چارچوب قابل توصیف است.

شیوه‌ها و ابزارهای ارتباطی از عوامل زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده هر چهار نوع علت قابل‌تصور در انقلاب اعم از علل مادی، شکلی، مؤثر و نهایی هستند. ارتباطات و رسانه‌ها موجب آگاهی عموم مردم از مشکلات (علت مادی)، شکل‌گیری گرایه‌های مشترک (مادی)، همفکری ناراضیان وضع موجود (شکلی)، ارتباط و همبستگی معترضان (شکلی)، پیدایش رهبری و تشکیلات (شکلی)، عضوگیری جنبش اعتراضی (مؤثر)، هماهنگی و سازمان‌دهی اعتراضات (مؤثر)، مخابره خواسته‌ها و اراده معترضان و ابعاد اعتراضات به حکومت و حامیان داخلی و بین‌المللی آن (مؤثر)، تعیین اهداف انقلاب و اشاعه و مقبولیت ایدئولوژی رهایی‌بخش (نهایی) می‌شوند.

به این ترتیب می‌توان گفت تأثیر وسایل ارتباطی و به‌ویژه فناوری‌های جدید ارتباطی نه‌فقط ابزاری، بلکه ساختاری است. این گزاره تا حدودی در مورد تأثیر همه بداعات فناورانه در پدیده‌های اجتماعی صدق می‌کند. زمانی که گفته می‌شود فناوری تنها یک ابزار است، اغلب تلاش می‌شود نقشی خنثی به فناوری در پدیده‌های اجتماعی نسبت داده شود. اما در عین حال که چگونگی استفاده از فناوری تنها منوط به اراده انسانی است، خود فناوری نیز با توجه به طراحی آن قابلیت‌ها و محدودیت‌هایی را به کاربران ارائه و یا تحمیل می‌کند. فناوری صحنه تعاملات انسانی و قدرت و توازن میان بازیگران را تغییر می‌دهد. (Tufekci, ۲۰۱۷, pp. ۱۲۴-۱۲۶)

## ۲-۶. تأثیر رسانه‌های اجتماعی در توسعه شبکه‌های کنشگری

رسانه‌های اجتماعی با ممکن ساختن ارتباط هم‌تا با هم‌تا، نقش مؤثری در ایجاد شبکه دارند. (۲، El-Nawawy & Khamis, ۲۰۱۳, p. ۲) رسانه‌های اجتماعی همچنین «روابط ضعیف» که مبنای تشکیل شبکه‌ها هستند را تسهیل می‌کنند. روابط ضعیف برخلاف روابط میان خویشاوندان و همکاران نزدیک، آن قدر قوی نیستند که بدون کمک فناوری‌های ارتباطی دیجیتال حفظ شوند. افراد دارای روابط قوی احتمالاً دیدگاه‌های مشابه دارند، اما روابط ضعیف ممکن است بین بخش‌های مختلف جامعه تعلقات سیاسی و اجتماعی متفاوتی دارند ایجاد شود. بدین ترتیب روابط ضعیف پل رابط میان بخش‌های مختلف جامعه می‌گردد. (۲۱، Tufekci, ۲۰۱۷, p. ۲۱)

رسانه‌های اجتماعی با توجه به دو ویژگی فوق‌بستری بارور برای بقا و تحول جنبش‌های اجتماعی جدید که دارای ساختار شبکه‌ای هستند ایجاد نموده‌اند. در حالی که جنبش‌های کلاسیک به رسانه‌های سنتی و ارتباطات چهره به چهره متکی بودند، جنبش‌های جدید به شدت به رسانه‌های اجتماعی وابسته‌اند. (صالحی، فرج زاده، & فرج بخش، ۱۳۹۲)

جنبش‌های جدید شبکه‌ای مرکز مشخصی ندارند و در عین حال میان گره‌های آن تبادل نظر و هماهنگی و تعامل وجود دارد. بدین ترتیب این جنبش‌ها به رهبری رسمی و مرکز فرماندهی و کنترل یا یک سازمان عمودی برای توزیع اطلاعات و دستورات نیاز ندارند. این ساختار غیرمتمرکز شانس مشارکت در جنبش را بالا می‌برد، زیرا شبکه‌های بدون مرز همیشه خود را همگام با سطح مشارکت مردم پیکربندی می‌نمایند. این ویژگی، آسیب‌پذیری جنبش در برابر تهدید و سرکوب را کاهش می‌دهد، زیرا هدف چندانی برای سرکوب وجود ندارد و شرکت‌کنندگان حول اهداف و ارزش‌های مشترک به‌طور سست با یکدیگر مرتبط شده‌اند. شبکه‌ها همچنین از برخی آفت‌های داخلی مانند بروکراسی و سوءاستفاده مصون هستند. (Castells, ۲۰۱۵, pp. ۲۴۹-۲۵۰)

### ۳-۶. تأثیرات رسانه‌های سیاسی در روابط ملت و دولت

با شناخت ویژگی‌های شبکه‌ای رسانه‌های اجتماعی، درک تأثیرات این رسانه‌ها در روابط میان شهروندان و دولت‌ها دشوار نیست. یکی از مهم‌ترین تلاش‌های نظری برای بررسی تأثیر رسانه‌ها در تغییرات سیاسی و اجتماعی، مفهوم حوزه عمومی هابرماس است. (نورمحمدی، ۱۳۹۰، ص. ۹۶) رسانه‌های اجتماعی نقش مهمی در تقویت حوزه عمومی ایفا می‌کنند. این حوزه یک محیط ارتباطی است که هر شهروندی فارغ از قومیت، مذهب، جنسیت و وضعیت اقتصادی و دیگر خصوصیات و گرایش‌ها می‌تواند بدون هیچ مانعی وارد آن شود و با سایرین آزادانه به تبادل اطلاعات، گفتگو، تعامل و تصمیم‌گیری بپردازد. حوزه عمومی واسطه مردم و نهادها و افراد قدرتمند و ضعیف است و یک نظام دمکراتیک باید به آن تکیه کند. (Schuler & Day, ۲۰۰۴, pp. ۳-۴)

رسانه‌های اجتماعی جامعه مدنی را تقویت می‌کنند و در نقش «فناوری رهایی بخش»<sup>۱۶</sup> ظاهر می‌شود؛ به این معنا که گزارش اخبار، ابراز عقاید، نمایش اقدامات

نادرست، بسیج اعتراضات، نظارت بر انتخابات و نظارت بر رفتار حکومت توسط شهروندان را ممکن می‌سازد و به تعمیق مشارکت عمومی و گسترش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود. (Diamond, ۲۰۱۰, p. ۷۰) رسانه‌های اجتماعی بستری برای انتقاد و به چالش کشیدن فضای رسانه‌ای حاکم می‌باشند. این رسانه‌ها به گروه‌های به حاشیه رانده شده و محروم، صدا داده و در جهت ترسیم دوباره نظم اجتماعی حرکت می‌کنند. (Salem, ۲۰۱۵, p. ۱۷۶)

رسانه‌های اجتماعی دسترسی عموم مردم به رسانه، اطلاعات، به یکدیگر (افقی) و به دولت (عمودی)، گفتگوی عمومی در مورد همه موضوعات موردعلاقه، فارغ از اجبارهای درونی و بیرونی، و درنهایت کنش عمومی را تسهیل می‌کنند. (سید علوی & نقیب‌السادات، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۵-۱۳۶) اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی، نظارت، هویت بخشی، گسترش روابط اجتماعی و انسجام‌بخشی، برخی از مهم‌ترین کارکردهای این رسانه‌ها در عرصه سیاسی است. (سردارنیا، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۶)

ارتباطات دیجیتال همچنین موجب شده است تا به‌ویژه جوانان از احزاب و ایدئولوژی‌ها و جنبش‌های وسیع اصلاحی و سیاست‌سازمان‌دهی شده فاصله گرفته و سازمان‌های سیاسی به مردم دیگر نه به‌عنوان اعضا، بلکه افراد همسو و مرتبط نگاه کند. افراد به‌واسطه ارتباطات دیجیتال، مشارکت بیشتری در تولید محتوا دارند و شبکه‌های فردی و تولید محتوا و مهارت‌های فناورانه، منابع سازمانی کوچکی در اختیار هر فرد قرار می‌دهد، اگرچه اقدام جمعی و ارتباطات قوی همچنان نقش کلیدی در صحنه سیاسی دارد. (Bennett & Segerberg, ۲۰۱۲, pp. ۷۵۹-۷۶۰)

#### ۴-۶. نقش رسانه‌های اجتماعی در اطلاع‌رسانی و سازمان‌دهی جنبش‌ها

##### و خیزش‌ها

رسانه‌های اجتماعی اجازه می‌دهند که افراد همفکر صرف‌نظر از مکان، جنسیت و طبقه اجتماعی یکدیگر را پیدا کنند و عقاید واقعی خود را در محیطی شبه عمومی آشکار کنند. این به غلبه بر ذره‌ای بودن و انزوای اجتماعی ناشی از سرکوب رژیم‌های خودکامه کمک می‌کند و اجازه می‌دهد معترضان در این محیط کوچک و شبه عمومی پیش از مبارزه در فضای بزرگ عمومی سازمان‌دهی شوند. یکی از موانع اعتراض وسیع «تحریف ترجیحات»<sup>۱۷</sup> است. ابراز فزاینده عقاید مخالف در فضای مجازی، صاحبان این عقاید را به ابراز آن‌ها در فضای عمومی تشویق می‌نماید. بدین

<sup>۱۷</sup> preference falsification

ترتیب یک «آبشار اطلاعاتی»<sup>۱۸</sup> ایجاد می‌شود که در آن اقدام کنندگان شجاعی که گام‌های اول را برمی‌دارند به جمعیت همفکر خود پیام‌هایی را در خصوص ارزش پیوستن به این حرکت ارسال می‌کنند. (Lynch, ۲۰۱۴, pp. ۹۷-۹۸)

اسنو و بنفورد سه نوع تصویرسازی متوالی را برای عضوگیری موفق در جنبش‌های اجتماعی شناسایی کرده‌اند: ۱- تشخیصی، که در آن یک جنبش اعضای بالقوه را متقاعد می‌کند مشکلی وجود دارد که نیازمند توجه است؛ ۲- پیش‌گویانه، که طی آن اعضای بالقوه را نسبت به راهبردها، تاکتیک‌ها و اهداف مقتضی متقاعد می‌کند و ۳- انگیزشی، که از این طریق افراد را بیش از همه با برانگیختن احساسات لازم ترغیب می‌کند در فعالیتهای جنبش مشارکت داشته باشند. (Goodwin & Jasper, ۲۰۱۵, p. ۵۵) در همین ارتباط فوت و اشنایدر از چهار مرحله در کارزارهای مبتنی بر وب نام می‌برند. که عبارت از آگاه‌سازی، درگیر نمودن، مرتبط کردن و بسیج می‌باشد. (Foot & Schneider, ۲۰۰۶, p. ۲۲)

انتقال احساسات و هیجانات در رسانه‌های اجتماعی محدود به مرزهای ملی نیست. این رسانه‌ها به تبادل دیدگاه و تجربه میان فعالان و عموم کاربران در ورای مرزها نیز کمک می‌کنند. رسانه‌های اجتماعی یک زیربنا و یک فرهنگ ارتباطی جهانی ایجاد نموده‌اند که موجب ارتباط منطقه‌ای و بین‌المللی میان جنبش‌های مختلف شده است. (Della Porta & Mattoni, ۲۰۱۵, p. ۵۳) بدین ترتیب رسانه‌های اجتماعی در گسترش مقیاس اعتراضات محلی به جنبشی وسیع‌تر و الگوبرداری محلی از این جنبش‌ها ایفای نقش نموده و در این رسانه‌ها تطبیق و الهام‌بخشی میان اعتراضات مختلف به‌روشنی مشهود است. (Lynch, ۲۰۱۴, pp. ۹۹-۱۰۰)

رسانه‌های اجتماعی همچنین هزینه‌های به اشتراک گذاشتن اطلاعات، مرتبط کردن بازیگران پراکنده حول علایق مشترک، تشکیل گروه و پیوستن به آن را کاهش می‌دهند و در عوض چاپ اعلامیه و جزوه و فراخوان اقدام و برگزاری جلسات در فضاهای فیزیکی، امکان انجام همه این اقدامات به‌صورت الکترونیکی را فراهم می‌آورند. سرعت تماس‌های اینترنتی و ارتباطات تعداد بالایی از کاربران با یکدیگر، بدین معناست که تعداد بیشتری از مردم در زمان کوتاه‌تری در دسترس خواهند بود. با استفاده از این نوع ارتباط فعالان میدانی می‌توانند برای هماهنگی تاکتیک‌های عملیاتی با رهبران در تماس باشند و پس از اقدامات جمعی نیز به‌سرعت در خصوص

مفقودان و دستگیری‌ها به خانواده‌ها، وکلا و سازمان‌های بین‌المللی اطلاع‌رسانی نمایندند. (Faris & Meier, ۲۰۱۳, pp. ۱۹۹-۲۰۰)

### ۵-۶. اهمیت خیابان در ارتباطات و سازمان‌دهی جنبش‌ها و خیزش‌ها

حضور کنشگران و معترضان در خیابان‌ها و ارتباطات و فعالیت‌های میدانی آن‌ها نقطه عطفی در هر جنبش اجتماعی و خیزش انقلابی محسوب می‌شود. کاستلز در کتاب قدرت ارتباطات در سال ۲۰۰۹ جنبش‌های معاصر را «شبکه‌ای از مغزها» توصیف می‌کند. چیزی که در ارزیابی اولیه کاستلز از کنش‌گرایی معاصر وجود نداشت، ویژگی جسمی آن است. کاستلز معتقد بود که فناوری‌های جدید ارتباطی منطق مکان را کم‌رنگ کرده است. (Gerbaudo, ۲۰۱۲, p. ۲۵) اما سه سال بعد وی در کتاب شبکه‌های خشم و امید پس از مشاهده خیزش‌های عربی و درعین حال که همچنان قائل نقش محوری شبکه‌های کنشگری در جنبش‌های معاصر است، میدان را جزء دیگری از فضای ارتباطی و کنشگری جنبش‌ها می‌خولند و بیان می‌کند درحالی‌که شبکه‌های اجتماعی دیجیتال تا حد زیادی امکان همفکری و هماهنگی اقدامات را فراهم می‌آورند، اما این تنها یک بخش از فرآیند ارتباطی جنبش‌های اجتماعی در جوامع است. جنبش‌های اجتماعی همچنین نیازمند به ایجاد فضای عمومی با ایجاد ارتباطات آزاد در فضای شهری هستند. (Castells, ۲۰۱۵, p. ۱۰)

به گفته گربادو میدان‌ها و اماکنی که اشغال می‌شوند محور مشارکت و نقاطی هستند که به جنبش‌ها قوام و انسجام می‌بخشند. آن‌ها نمادهایی مملو از تاریخ و سنت‌ها سیاسی هستند و در برابر ساختارهای سازمانی منعطف و سیال جنبش‌های معاصر و هویت‌های مبهمی که این جنبش‌ها با تعامل در رسانه‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند، نقش نقاطی کانونی را ایفا می‌نمایند که اجازه انسجام و قوام به جنبش‌ها را می‌دهند. این میدان‌ها فقدان رهبری را در جنبش‌ها جبران می‌کنند و درحالی‌که جنبش‌ها نمی‌توانند به یک پرچم، حزب سیاسی و یا کیش شخصیتی متمسک شوند، به مکانی متصل می‌شوند که مبدأ تاریخی و مهد توسعه آن‌ها می‌شود. (Gerbaudo, ۲۰۱۲, pp. ۱۵۶-۱۵۷)

از سویی فناوری‌های ارتباطی جایگزین روش‌های قدیمی‌تر نشده، بلکه آن‌ها را تکمیل می‌کنند. درحالی‌که فعالان اصلی جنبش‌ها تمایل بیشتری به استفاده از ارتباطات دیجیتال برای اعتراض و کسب اطلاع دارند، هواداران و دنبال‌کنندگان

برای دریافت اطلاعات اغلب به رسانه‌های جمعی و ارتباطات چهره به چهره اتکا می‌کنند. (Haunss, ۲۰۱۵, p. ۲۸)

با ورود جنبش‌ها و خیزش‌ها به مرحله اعتراضات خیابانی، فضای ارتباطی کنشگران از رسانه‌های اجتماعی به تماس‌های چهره به چهره و اعلامیه و سخنرانی و گفتگوی رویارو تغییر یافته و سازمان آن‌ها از شبکه‌های مجازی مبتنی بر روابط ضعیف و فاقد سلسله‌مراتب، به تشکیلات عینی و منسجم‌تر همراه با اشکال اولیه و ساده‌ای از تقسیم‌کار و سلسله‌مراتب تبدیل می‌شود. با آغاز و افزایش تحولات میدانی همچنین توجه احزاب و تشکل‌های مخالف و رسانه‌های سنتی به جنبش اعتراضی بیشتر جلب می‌شود و جسارت بیشتری در به چالش کشیدن نظام حاکم خواهند داشت.

#### ۶-۶. رسانه‌های اجتماعی و انقلاب اصلاحی

فرآیند انقلاب تنها شامل بسیج و فعال‌سازی کنشگران برای رسیدن به تغییر نیست، بلکه سازمان‌دهی تغییر را نیز در برمی‌گیرد. رسانه‌های اجتماعی علیرغم ظرفیت‌هایی که در اختیار کنشگران برای اطلاع‌رسانی و سازمان‌دهی حرکت‌های اعتراضی قرار می‌دهند، نارسایی‌ها و کمبودهایی نیز دارند که پس از سرنگونی رژیم حاکم و در روند استقرار نظام جدید سیاسی خود را نشان می‌دهند.

ساختار مجازی رسانه‌های اجتماعی برای مبارزات تک‌موضوعی بسیار مناسب به نظر می‌رسد. (Herrera, ۲۰۱۴, p. ۲۱) این ساختارهای شبکه‌ای بدون رهبر می‌توانند ائتلافی از میلیون‌ها معترض نامتجانس را پیرامون یک خواسته واحد و ساده مانند کناره‌گیری یک دیکتاتور گرد هم آورند، اما معمولاً در فرآیند مذاکرات پس‌از آن و در بیان خواسته‌های مشخص و مشروح تأثیر کمتری دارند. اینترنت ممکن است در ایجاد شبکه‌های اجتماعی صمیمی و قابل اعتماد در قلب جامعه مدنی ضعیف عمل کند. حتی ممکن است با ماندن مردم در کنار کامپیوترها به جای حضور در خیابان‌ها و مشارکت در فرآیند دشوار سازمان‌دهی سیاسی، آن‌ها را غیرسیاسی کند. یا اینکه به بسیج مداوم علیه وضع موجود، خارج از نهادهای سیاسی و ناتوان از پیشبرد دستور کارهای عملی، منتهی شود. (Lynch, ۲۰۱۴, p. ۹۹)

جنبش‌های شبکه‌ای به‌غیر از زمانی که روی یک هدف واحد و روشن یعنی سرنگونی یک رژیم استبدادی تمرکز می‌کنند، به‌ندرت با برنامه هستند. از آنجاکه خواسته‌های این جنبش‌ها متعدد و انگیزه‌های آن‌ها نامحدود است، نمی‌توانند در



خصوص یک سازمان و یا رهبری واحد به توافق برسند. اجماع و باهم بودن در آن‌ها مبتنی بر تبادل نظر و اعتراض خاص است و نه اجرای یک برنامه با اهداف مشخص. این از آن جهت که جاذبه بالایی ایجاد می‌کند، نقطه قوت و از آن جهت که نیل به هر دستاوردی را با توجه به نامشخص بودن اهداف دشوار می‌سازد، نقطه ضعف است. جنبش‌های شبکه‌ای نمی‌توانند به سمت یک اقدام سیاسی با سودمندی محدود هدایت شوند و از این رو احزاب سیاسی از نظر آن‌ها کاملاً غیرقابل اطمینان هستند و نمی‌توانند با آن‌ها کار کنند. جهت‌گیری این جنبش‌ها به سوی تغییر دولت و نه در دست گرفتن دولت است. آن‌ها احساسات خود را ابراز می‌کنند و گفتمان ایجاد می‌کنند، اما حزب تأسیس نمی‌کنند و یا از دولت‌ها حمایت نمی‌نمایند. (Castells, ۲۰۱۵, pp. ۲۵۵-۲۵۶)

بر همین اساس رسانه‌های اجتماعی نمی‌توانند به تنهایی مشارکت مدنی را متحول کنند و برای پر کردن خلأ قدرت کافی نیستند. آن‌ها در غیاب یک جامعه مدنی فعال و تثبیت‌شده، جنبش‌های سازمان‌یافته مخالف، نهادهای مردمی نظام‌مند و یک رهبری متمرکز و باتجربه، علیرغم فراهم کردن برخی زمینه‌های تغییر سیاسی، خیزش‌های انقلابی را به سمت خلأ قدرت می‌برند. (Khamis, ۲۰۱۷, p. ۹)

جهت ارزیابی توانمندی یک جنبش در زمینه‌های روایی، اخلاک‌گرانه و انتخبالاتی، به جای تمرکز روی شاخص‌های کمی مانند تعداد اعتراضات یا شرکت‌کنندگان، باید به ظرفیت‌های کیفی که جنبش‌ها در جریان اعتراضات، از جمله تصمیم‌گیری، اعتمادسازی، تعامل و نمایندگی، نشان می‌دهند توجه نمود. اما فناوری‌های عصر جدید ممکن است به جنبش‌هایی منتهی شوند که فاقد این ظرفیت‌های حیاتی هستند. در گذشته سازمان‌دهی اعتراضات بزرگ نیازمند برنامه‌ریزی قابل توجه از سوی شخصیت‌ها و سازمان‌ها بود و بدین ترتیب ساختارهای تصمیم‌گیری پیش از برگزاری رویداد اعتراضی شکل می‌گرفت. اما در قرن جاری اعتراضات به سرعت رخ می‌دهند و جنبش‌هایی سازمان‌دهی می‌شوند که دارای ساختارهای تصمیم‌گیری حداقلی اغلب افقی و مشارکتی هستند و معمولاً فاقد ابزارهای لازم برای حل سریع اختلافات هستند. اگرچه ساختار مشارکتی و فاقد رهبری از جنبه‌هایی منبع قدرت است، اما در درازمدت پرمخاطره بوده و ممکن است با سرعت بالا به پیچ برسد. (Tufekci, ۲۰۱۷, pp. ۷۵-۷۷)

به گفته بیات انقلابیون معمولاً در اقلیت هستند و به دلیل مقاومت و شجاعت و از خودگذشتگی بر رژیم‌های حاکم فائق می‌آیند. اما پس از سقوط دیکتاتورها،

سیاست خیابانی محدودیت خود را نشان می‌دهد و عده‌ای که در خیزش حضور ندارند و با فرصت‌طلبی ناظر حوادث هستند ممکن قدرت را در دست گیرند. پس از انقلاب انتظارات عمومی بالا می‌رود، درحالی‌که منابع کمتری جهت پاسخ به آن وجود دارد. شهروندانی که برای انقلاب هزینه می‌دهند، پس از پیروزی انقلاب با دولت‌های مختل، مؤسسات ناکارآمد و اقتصاد ویران‌شده روبرو می‌شوند. آن‌ها انتظار بهبود نظم و امنیت و تحول نظام اداری را دارند، اما نهادها و کادر اداری باقی‌مانده از رژیم سابق ناکارآمدتر از گذشته عمل خواهد کرد. علاوه بر این تناقض، خراب‌کاری‌های ضدانقلاب، فرار سرمایه و گریز مدیران و بوروکرات‌ها، هزینه‌های فراوانی را متوجه اقتصاد و جامعه می‌نماید. در این شرایط، آن‌هایی دست بالا را دارند که با مهارت، مردم را در شهرها، مشاغل و اتحادیه‌های صنفی و کارگری و انتخابات بسیج کنند. در دوران پسا انقلاب، نهادهایی مانند احزاب سیاسی، جامعه مدنی، انتخابات، پارلمان و پیش از همه حاکمیت قانون، حائز اهمیت هستند. (Bayat, ۲۰۱۷, pp. ۲۰۹-۲۱۷)

از دیدگاه اغلب تحلیل‌گران، تأثیرگذاری جنبش‌های اجتماعی بر جامعه نیازمند پردازش ارزش‌ها و خواسته‌های آن‌ها از سوی نهادهای تحت کنترل بازیگران سیاسی می‌باشد. (Castells, ۲۰۱۵, p. ۲۶۲) اما در محیط‌های استبدادی چنین نهادهایی تا حد زیادی سرکوب شده‌اند و در غیاب آن‌ها، شبکه‌های ایجادشده در رسانه‌های اجتماعی، ظرفیت رهبری کنشگران به‌ویژه جهت نیل به اهداف انقلابی را ندارند. در این شرایط نهادهای به‌جای مانده از نظام سابق خلأ ایجادشده را پر خواهند کرد و ممکن است در فرآیندی مطابق با آنچه در مورد انقلاب اصلاحی گفته شد، نظم جدید را طراحی و مدیریت کنند.

## ۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

علل مختلفی در وقوع یک انقلاب سهیم هستند که نوع تأثیرگذاری آن‌ها متفاوت از یکدیگر است. با تطبیق تقسیم‌بندی ارسطو بر علل انقلاب‌ها می‌توان گفت مجاری ارتباطی و رسانه‌ها موجب آگاهی عموم مردم از مشکلات (علت مادی)، شکل‌گیری گلابه‌های مشترک (مادی)، همفکری ناراضیان وضع موجود (شکلی)، ارتباط و همبستگی معترضان (شکلی)، پیدایش رهبری و تشکیلات (شکلی)، عضوگیری جنبش اعتراضی (مؤثر)، هماهنگی و سازمان‌دهی اعتراضات (مؤثر)، مخابره خواسته‌ها و اراده معترضان و ابعاد اعتراضات به حکومت و حامیان داخلی و بین‌المللی آن

(مؤثر)، تعیین اهداف انقلاب و اشاعه و مقبولیت ایدئولوژی رهایی‌بخش (نهایی) می‌شوند.

توفیق‌چی در تبیین نقش ساختاری رسانه‌های اجتماعی در انقلاب‌ها به تأثیر آن‌ها بر علل مادی و شکلی انقلاب اکتفا می‌کند. اما در این پژوهش تأثیر رسانه‌های مذکور بر هر چهار نوع علت انقلاب مدنظر قرار گرفته و مشخص شد مجاری ارتباطی و رسانه‌ها صرفاً ابزار انقلابیون نیستند، بلکه می‌توانند با تحریک و تقویت علل مادی، شکلی، مؤثر و نهایی انقلاب، تأثیر ساختاری در تحریک انقلاب داشته باشند.

ظرفیت‌های رسانه‌های اجتماعی در زمینه اطلاع‌رسانی آزاد و به اشتراک گذاشتن دیدگاه‌ها و تجارب افراد و آگاهی بخشی عمومی در تحریک علل انقلاب به‌ویژه علل مادی، یعنی آگاهی عموم مردم از مشکلات و شکل‌گیری گلیه‌های مشترک، بسیار تأثیرگذار است. اما مهم‌ترین تفاوت رسانه‌های اجتماعی با رسانه‌های سنتی در آن است که علاوه بر افزایش شناخت کاربران، میان آن‌ها ارتباط و همکاری ایجاد می‌نماید. بدین ترتیب علاوه بر اطلاع‌رسانی دیدگاه‌ها و تحولات، در سازمان‌دهی کنشگران نیز نقش ایفا می‌کنند. این ویژگی به‌طور مشخص در شکل‌گیری و تقویت علل شکلی، مؤثر و نهایی انقلاب از جمله همفکری ناراضیان وضع موجود، ارتباط و همبستگی معترضان، پیدایش رهبری و تشکیلات، عضوگیری جنبش اعتراضی، هماهنگی و سازمان‌دهی اعتراضات، مخابره خواسته‌ها و اراده معترضان و ابعاد اعتراضات به حکومت و حامیان داخلی و بین‌المللی آن و تعیین اهداف انقلاب و اشاعه و مقبولیت ایدئولوژی رهایی‌بخش تأثیر بسزایی دارد.

آنچه می‌تواند کلید فهم تأثیرگذاری رسانه‌های اجتماعی در کنشگری و جنبش‌ها و خیزش‌های اخیر باشد، مفهوم شبکه است. رسانه‌های اجتماعی با ممکن ساختن ارتباط همتا با همتا و تسهیل روابط ضعیف نقش مؤثری در ایجاد شبکه‌دارند. سازمان‌های شبکه‌ای پیش از رسانه‌های اجتماعی نیز وجود داشته‌اند، اما این رسانه‌ها به‌ویژه در زمان بحران روابط مؤثرتری را درون شبکه‌ها ایجاد می‌نمایند.

توانایی شکل‌گیری دوباره، کلید مؤثر بودن شبکه‌های کنشگری در خیزش‌های انقلابی است. جنبش‌های شبکه‌ای مرکز مشخصی ندارند و درعین حال میان گره‌های آن تبادل نظر و هماهنگی و تعامل وجود دارد. بدین ترتیب این جنبش‌ها به رهبری رسمی و مرکز فرماندهی و کنترل یا یک سازمان عمودی برای توزیع اطلاعات و دستورات نیاز ندارند. این ساختار غیرمتمرکز شانس مشارکت در جنبش را بالا می‌برد و آسیب‌پذیری جنبش در برابر تهدید و سرکوب را کاهش می‌دهد.

در این پژوهش برای تبیین ماهیت شبکه‌ای رسلنه‌های اجتماعی از نظریات کاستلز بهره گرفته شد. در عین حال کاستلز به تأثیرات ساختاری این رسانه‌ها در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و خیزش‌های انقلابی اشاره صریحی ندارد و به دستاوردها و سرانجام جنبش‌های شبکه‌ای نیز نمی‌پردازد. همچنین تحولات ارتباطی جنبش‌های شبکه‌ای در مرحله اعتراضات میدانی تنها در آثار متأخر و به‌طور مختصر مورد توجه قرار گرفته است.

در این مقاله همچنین توضیح داده شد با ورود جنبش‌ها و خیزش‌ها به مرحله اعتراضات خیابانی، فضای ارتباطی کنشگران از رسانه‌های اجتماعی به تماس‌های چهره به چهره و اعلامیه و سخنرانی و گفتگوی رویارو تغییر یافته و سازمان آن‌ها از شبکه‌های مجازی مبتنی بر روابط ضعیف به تشکیلات عینی و منسجم‌تر همراه با اشکال اولیه و ساده‌ای از تقسیم کار و سلسله‌مراتب تبدیل می‌شود.

انقلاب تغییری یک‌باره و آنی نیست، بلکه فرآیندی است که دارای مراحل مختلف می‌باشد و دوران پس از سقوط نظام حاکم نیز بخشی از این فرآیند محسوب می‌شود. مفهوم انقلاب اصلاحی با در نظر گرفتن تحولات این دوران ارائه شده است و مبین نوعی انقلاب است که به تعبیر بیات دولت حاکم را وادار می‌نماید که خود را تغییر دهد و اصلاحات معنی‌داری را از طرف جنبش انقلابی انجام دهد.

بیات در خصوص رابطه جنبش‌های شبکه‌ای و انقلاب اصلاحی توضیح داده است، اما به نقش رسانه‌های اجتماعی در این زمینه نمی‌پردازد. این پژوهش در تکمیل نظر بیات و پیوند انقلاب اصلاحی با آنچه بر پایه دیدگاه‌های توفیقچی و بیات بنا گردید، استدلال می‌نماید رسانه‌های اجتماعی علیرغم تأثیرگذاری ساختاری در بسیج و سازمان‌دهی اولیه معترضان می‌تواند زمینه‌ساز وقوع انقلاب اصلاحی شوند. ویژگی و عملکرد شبکه‌ها، کلید درک تأثیرگذاری متفاوت رسلنه‌های اجتماعی در این دو مقطع است. شبکه‌های کنشگری در مقایسه با احزاب و دیگر سازمان‌های سیاسی سنتی، از رهبری، سلسله‌مراتب، انسجام، برنامه و تجربه لازم برای طراحی و هدایت نظم جدید سیاسی بعد از سرنگونی حکومت‌ها برخوردار نیستند.

در غیاب یک جامعه مدنی پویا و نهادهای مردمی نظام‌مند با رهبری متمرکز، رسانه‌های اجتماعی علیرغم فراهم کردن برخی زمینه‌های مساعد برای تغییر سیاسی، خیزش‌های انقلابی را به سمت خلأ قدرت می‌برند. در این شرایط نهادهای به‌جای مانده از نظام سابق ممکن است خلأ ایجاد شده را پر کرده و مطابق با فرآیندی که در مورد انقلاب اصلاحی تشریح گردید، نظم جدید را طراحی و مدیریت نمایند.

به نظر می‌رسد علیرغم ناکامی خیزش‌های عربی در تحقق اهداف انقلابیون و سرخوردگی آن‌ها از نتیجه انقلاب‌های اصلاحی، در خیزش‌های آینده نیز رسانه‌های اجتماعی همچنان نقش برجسته‌ای ایفا نموده و در شرایط سرکوب به‌صورت بی‌رقیب در خدمت ارتباطات و سازمان‌دهی مخالفان و معترضان قرار گیرند. بر این اساس و با آنچه در مورد ویژگی‌های رسانه‌های اجتماعی و تأثیر آن‌ها در انقلاب‌ها گفته شد دو نتیجه راهبردی برای دولت‌ها در عرصه‌های سیاست داخلی و سیاست خارجی قابل توجه است.

اول اینکه در عرصه داخلی، کنترل و نظارت بر رسانه‌های اجتماعی علیرغم هزینه‌های فوق‌العاده آن نمی‌تواند مانع از ارتباطات و سازمان‌دهی مخالفان شود و قطع کامل اینترنت نیز چنانکه در جریان خیزش ۲۰۱۱ مصر مشاهده شد، صرفاً راهکاری اضطراری و موقت است که با توجه به تبعات اقتصادی و سیاسی آن بیش از چند روز قابل ادامه نیست. به‌این ترتیب فراهم نمودن فضای لازم جهت تشکل و تحرک مخالفان در احزاب و سازمان‌ها، سیاستی مدبرانه و دوراندیشانه در جهت حفظ ثبات و جلوگیری از هرج‌ومرج و نابودی منابع کشور برای مدتی نسبتاً طولانی در یک طغیان بدون رهبری و برنامه خواهد بود.

در عرصه سیاست خارجی نیز باید توجه داشت که چه تحولاتی در جوامع دستخوش انقلاب، با توجه به تأثیرگذاری رسانه‌های اجتماعی، قابل پیش‌بینی است. آنچه برای نمونه در مصر پس از خیزش ۲۰۱۱ رخ داد، در انقلاب‌های آتی نیز حتی در صورت نقش‌آفرینی احزاب مخالف قابل تصور است و نیازمند کسب آمادگی قبلی و پیش‌بینی تدابیر لازم برای مدیریت اوضاع و کنترل بی‌ثباتی درازمدت در کشورهای مذکور و روابط دوجانبه و مناسبات منطقه‌ای می‌باشد.

## منابع و مآخذ

### منابع فارسی

- بشیریه، حسین (۱۳۹۰). انقلاب و بسیج سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۶). آثار سیاسی فناوری‌های تازه ارتباطاتی-اطلاعاتی. ماهنامه اطلاعات اقتصادی-سیاسی، ۲۲(۵ و ۶). ۱۹۹-۱۰۴.
- سید علوی، سید مسعود، و نقیب‌السادات، سید رضا (۱۳۹۱). حوزه عمومی در فضای مجازی: مؤلفه‌های شکل گرفته حوزه عمومی مجازی از دیدگاه کارشناسان علوم ارتباطات و علوم سیاسی در دانشگاه‌های ایران. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۹(۵۷). ۱۱۰-۱۵۳.
- صالحی، سید جواد، فرج زاده، و فرح بخش، عباس (۱۳۹۲). بررسی نقش اینترنت در جنبش اجتماعی مصر. فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۱(۳)، ۱-۱۶.
- نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۰). نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس. رسانه، ۲۲(۴۳)، ۹۳-۱۰۶.

### منابع انگلیسی

- Alianak, S. L. (۲۰۱۴). *The Transition Towards Revolution and Reform: The Arab Spring Realised?* Edinburgh, United Kingdom: Edinburgh University Press.
- Bayat, A. (۲۰۱۷). *Revolution without Revolutionaries: Making sense of the Arab Spring*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Bennett, W., & Segerberg, A. (۲۰۱۲). *The Logic of Connective Action: Digital Media and the Personalization of Contentious Politics*. *Information, Communication & Society*, 15(۵), ۷۳۹-۷۶۸.
- Castells, M. (۲۰۱۵). *Networks of Outrage and Hope: Social Movements in the Internet Age* (۲nd ed.). Cambridge, United Kingdom: Polity Press.
- DeFronzo, J. (۲۰۱۵). *Revolutions and Revolutionary Movements* (۲th ed.). Boulder, CO, Westview Press.
- Della Porta, D., & Mattoni, A. (۲۰۱۵). Social Networking Sites in Pro-democracy and Anti-austerity Protest: Some Thoughts from a Social Movements Perspective. In D. Trottier, & C. Fuchs (Eds.), *Social Media, Politics and the State: Protests, Revolution, Riots, Crime and Policing in the Age of Facebook, Twitter and YouTube* (pp. ۳۹-۶۳). New York, NY: Routledge.
- Diamond, L. (۲۰۱۰). Liberation Technology. *Journal of Democracy*, 21(۳), ۶۹-۸۳.

- El-Nawawy, M., & Khamis, S. (۲۰۱۳). *Egyptian Revolution ۲۰۱۱: Political Blogging, Civic Engagement, and Citizen Journalism*. New York, NY: Palgrave MacMillan.
- Faris, D. M., & Meier, P. (۲۰۱۳). Digital Activism in Authoritarian Countries. In A. Delwiche, & J. Henderson (Eds.), *The Participatory Cultures Handbook* (pp. ۱۹۷-۲۰۵). New York, NY: Routledge.
- Foot, K. A., & Schneider, S. M. (۲۰۰۶). *Web Campaigning*. Cambridge, MA: The MIT Press.
- Gelvin, J. L. (۲۰۱۵). *The Arab Uprisings: What Everyone Needs to Know* (۲nd ed.). New York, NY: Oxford University Press.
- Gerbaudo, P. (۲۰۱۲). *Tweets and the Streets*. London, United Kingdom: Pluto Press.
- Gladwell, M. (۲۰۱۷). Small Change: Why the Revolution will not be Tweeted. In S. Cohen (Ed.), *50 Essays: A portable Anthology* (۹th ed., pp. ۱۶۹-۱۸۱). Boston, MA: Bedford/St. Martin's.
- Goodwin, J., & Jasper, J. M. (۲۰۱۵). Editors' Introduction. In J. Goodwin, & J. Jasper (Eds.), *The Social Movements Reader: Cases and Concepts* (۲rd ed., pp. ۳-۷). West Sussex, United Kingdom: Wiley Blackwell.
- Haunss, S. (۲۰۱۵). Promise and Practice in Studies of Social Media and Movements. In L. Dencik, & O. Leistert (Eds.), *Critical Perspectives on Social Media and Protest: Between Control and Participation* (pp. ۱۲-۲۱). London, United Kingdom: Rowman & Littlefield.
- Herrera, L. (۲۰۱۴). *Revolution in the Age of Social Media: The Egyptian Popoular Insurrection and the Internet*. London, United Kingdom: Verso.
- Howard, P. N., & Hussain, M. H. (۲۰۱۳). *Democracy's Fourth Wave? Digital Media and the Arab Spring*. New York, NY: Oxford University Press.
- Khamis, S. (۲۰۱۷). Revisiting Cyberactivism Six Years after the Arab Spring: Potentials, Limitations, and Future Prospects. In N. Lenze, C. Shriwer, & Z. Abdul Jalil (Eds.), *Media in the Middle East: Activism, Politics, and Culture* (pp. ۳-۱۹). New York, NY: Palgrave MacMillan.
- Lynch, M. (۲۰۱۴). Media, Old and New. In M. Lynch (Ed.), *The Arab Spring Explained: New Contentious Politics in the Middle East* (pp. ۹۲-۱۰۹). New York, NY: Columbia University Press.
- Moaddel, M. (۲۰۱۷). The Arab Spring and Egyptian Revolution Makers: Predictors of Participation. In M. Moaddel, & M. J. Gelfand (Eds.), *Values, Political Action, and Change in the Middle East and the Arab Spring* (pp. ۲۰۵-۲۴۷). New York, NY: Oxford University Press.
- Morozov, E. (۲۰۱۱). *The Net Delusion: The Dark Side of Internet Freedom*. New York, NY: Public Affairs.
- Salem, S. (۲۰۱۵). Creating Spaces for Dissent: The Role of Social Media in the ۲۰۱۱ Egyptian Revolution. In D. Trottier, & C. Fuchs (Eds.), *Social Media, Politics and the State: Protests, Revolution, Riots, Crime and Policing in the Age of Facebook, Twitter and YouTube* (pp. ۱۷۱-۱۸۸). New York, NY: Routledge.
- Schuler, D., & Day, P. (۲۰۰۴). Shaping the Network Society: Opportunities and Challenges. In D. Schuler, & P. Day (Eds.), *Shaping the Network Society: The New Role of Civil Society in Cyberspace* (pp. ۱-۱۶). Cambridge, MA: The MIT Press.
- Seib, P. (۲۰۱۲). *Real-Time Diplomacy: Politics and Power in the Social Media Era*. New York, NY: Palgrave MacMillan.

- Trottier, D., & Fuchs, C. (۲۰۱۵). Introduction. In D. Trottier, & C. Fuchs (Eds.), *Social Media, Politics and the State: Protests, Revolution, Riots, Crime and Policing in the Age of Facebook, Twitter and YouTube* (pp. ۲-۲۸). New York, NY: Routledge.
- Tufekci, Z. (۲۰۱۷). *Twitter and Tear Gas: The Power and Fragility of Networked Protest*. New Haven, CT: Yale University Press.

## References

- Bashiriyeh, H. (۲۰۱۱). *Revolution and Political Mobilization*. Tehran: University of Tehran.
- Noormohammadi, M. (۲۰۱۲). The role of Social Virtual Networks in Tunisian Revolution. *Quarterly Journal of Media*, ۲۲(۳&۴), ۹۳-۱۰۶.
- Salehi, S. J., Farajzadeh, A., & Farahbakhsh, A. (۲۰۱۴). A Study of the Role of Internet in Social Movement of Egypt. *Islamic World Studies*, ۱(۳), ۱-۱۶.
- Sardarnia, K. (۲۰۰۸). Political Effects of the ICT. *Political & Economic Ettelaat*, ۲۲(۵&۶), ۱۰۴-۱۹۹.
- Seyed Alavi, S. M. & Naghibosadat, S. R. (۲۰۱۲). Public Space in Cyberspace: Components of Virtual Public Space in the View of the Experts of Communication and Political Sciences. *Quarterly Journal of Social Sciences*, ۱۹(۵۷), ۱۱۰-۱۵۳.
- Alianak, S. L. (۲۰۱۴). *The Transition Towards Revolution and Reform: The Arab Spring Realised?* Edinburgh, United Kingdom: Edinburgh University Press.
- Bayat, A. (۲۰۱۷). *Revolution without Revolutionaries: Making sense of the Arab Spring*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Bennett, W., & Segerberg, A. (۲۰۱۲). *The Logic of Connective Action: Digital Media and the Personalization of Contentious Politics*. *Information, Communication & Society*, ۱۵(۵), ۷۳۹-۷۶۸.
- Castells, M. (۲۰۱۵). *Networks of Outrage and Hope: Social Movements in the Internet Age* (۲nd ed.). Cambridge, United Kingdom: Polity Press.
- DeFronzo, J. (۲۰۱۵). *Revolutions and Revolutionary Movements* (۲nd ed.). Boulder, CO, Westview Press.
- Della Porta, D., & Mattoni, A. (۲۰۱۵). Social Networking Sites in Pro-democracy and Anti-austerity Protest: Some Thoughts from a Social Movements Perspective. In D. Trottier, & C. Fuchs (Eds.), *Social Media, Politics and the State: Protests, Revolution, Riots, Crime and Policing in the Age of Facebook, Twitter and YouTube* (pp. ۳۹-۶۳). New York, NY: Routledge.
- Diamond, L. (۲۰۱۰). Liberation Technology. *Journal of Democracy*, ۲۱(۳), ۶۹-۸۳.
- El-Nawawy, M., & Khamis, S. (۲۰۱۲). *Egyptian Revolution ۲۰۰۰: Political Blogging, Civic Engagement, and Citizen Journalism*. New York, NY: Palgrave MacMillan.
- Faris, D. M., & Meier, P. (۲۰۱۲). Digital Activism in Authoritarian Countries. In A. Delwiche, & J. Henderson (Eds.), *The Participatory Cultures Handbook* (pp. ۱۹۷-۲۰۵). New York, NY: Routledge.
- Foot, K. A., & Schneider, S. M. (۲۰۰۶). *Web Campaigning*. Cambridge, MA: The MIT Press.



- Gelvin, J. L. (۲۰۱۵). *The Arab Uprisings: What Everyone Needs to Know* (۲nd ed.). New York, NY: Oxford University Press.
- Gerbaudo, P. (۲۰۱۲). *Tweets and the Streets*. London, United Kingdom: Pluto Press.
- Gladwell, M. (۲۰۱۷). *Small Change: Why the Revolution will not be Tweeted*. In S. Cohen (Ed.), *۵۰ Essays: A portable Anthology* (۹th ed., pp. ۱۶۹-۱۸۱). Boston, MA: Bedford/St. Martin's.
- Goodwin, J., & Jasper, J. M. (۲۰۱۵). Editors' Introduction. In J. Goodwin, & J. Jasper (Eds.), *The Social Movements Reader: Cases and Concepts* (۲rd ed., pp. ۲-۷). West Sussex, United Kingdom: Wiley Blackwell.
- Haunss, S. (۲۰۱۵). *Promise and Practice in Studies of Social Media and Movements*. In L. Dencik, & O. Leistert (Eds.), *Critical Perspectives on Social Media and Protest: Between Control and Participation* (pp. ۱۳-۳۱). London, United Kingdom: Rowman & Littlefield.
- Herrera, L. (۲۰۱۴). *Revolution in the Age of Social Media: The Egyptian Popoular Insurrection and the Internet*. London, United Kingdom: Verso.
- Howard, P. N., & Hussain, M. H. (۲۰۱۳). *Democracy's Fourth Wave? Digital Media and the Arab Spring*. New York, NY: Oxford University Press.
- Khamis, S. (۲۰۱۷). *Revisiting Cyberactivism Six Years after the Arab Spring: Potentials, Limitations, and Future Prospects*. In N. Lenze, C. Shriwer, & Z. Abdul Jalil (Eds.), *Media in the Middle East: Activism, Politics, and Culture* (pp. ۳-۱۹). New York, NY: Palgrave MacMillan.
- Lynch, M. (۲۰۱۴). *Media, Old and New*. In M. Lynch (Ed.), *The Arab Spring Explained: New Contentious Politics in the Middle East* (pp. ۹۳-۱۰۹). New York, NY: Columbia University Press.
- Moaddel, M. (۲۰۱۷). *The Arab Spring and Egyptian Revolution Makers: Predictors of Participation*. In M. Moaddel, & M. J. Gelfand (Eds.), *Values, Political Action, and Change in the Middle East and the Arab Spring* (pp. ۲۰۵-۲۴۷). New York, NY: Oxford University Press.
- Morozov, E. (۲۰۱۱). *The Net Delusion: The Dark Side of Internet Freedom*. New York, NY: Public Affairs.
- Salem, S. (۲۰۱۵). *Creating Spaces for Dissent: The Role of Social Media in the ۲۰۱۱ Egyptian Revolution*. In D. Trottier, & C. Fuchs (Eds.), *Social Media, Politics and the State: Protests, Revolution, Riots, Crime and Policing in the Age of Facebook, Twitter and YouTube* (pp. ۱۷۱-۱۸۸). New York, NY: Routledge.
- Schuler, D., & Day, P. (۲۰۰۴). *Shaping the Network Society: Opportunities and Challenges*. In D. Schuler, & P. Day (Eds.), *Shaping the Network Society: The New Role of Civil Society in Cyberspace* (pp. ۱-۱۶). Cambridge, MA: The MIT Press.
- Seib, P. (۲۰۱۲). *Real-Time Diplomacy: Politics and Power in the Social Media Era*. New York, NY: Palgrave MacMillan.
- Trottier, D., & Fuchs, C. (۲۰۱۵). Introduction. In D. Trottier, & C. Fuchs (Eds.), *Social Media, Politics and the State: Protests, Revolution, Riots, Crime and Policing in the Age of Facebook, Twitter and YouTube* (pp. ۲-۳۸). New York, NY: Routledge.
- Tufekci, Z. (۲۰۱۷). *Twitter and Tear Gas: The Power and Fragility of Networked Protest*. New Haven, CT: Yale University Press.